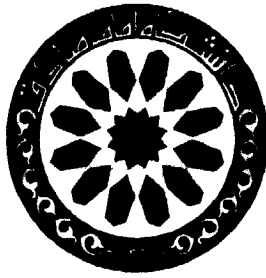


تقدیر  
برچهرگان علم

۳۱۴۷۲

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)  
شماره ثبت ۱۴۸  
نسخه ۳



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد

۱۳۸۰ / ۳ / ۲۰

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)

فقه النظرية الاسلامية عند الشهيد الصدر

۳۸۴۷۲

014933

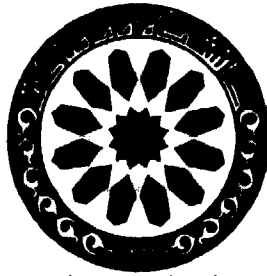
باقر بري

استاد راهنما:

آیت الله محمد علی تسخیری

تأبستان ۱۳۷۸

۳۸۴۷۲



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

۱۳۸۰ / ۲ / ۲۰

دانشکده الهیات ، معارف اسلامی و ارشاد

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد الهیات (گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی)

**فقه النظرية الاسلامية عند الشهيد الصدر** ❁

باقر بري

استاد راهنما:

آیت الله محمد علی تسخیری

اساتید مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین عبدالجبار رفاعی

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد علم الهدی

تابستان ۱۳۷۸

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،  
ترجمه، اقتباس و... از این پایان نامه کارشناسی ارشد  
برای دانشگاه امام صادق (علیه السلام) محفوظ است. نقل  
مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

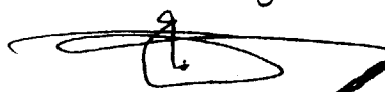
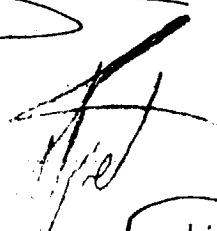

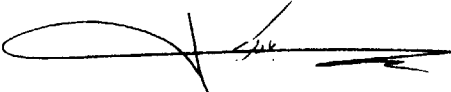
## تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای باقر بری تحت عنوان: «فقه النظرية الاسلامية

عند الشهيد الصدر (ره)» را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه

کارشناسی ارشد پیوسته پیشنهاد می کنند.

کد: ۶۹۴۱۲۴۵۱۸

| محل امضاء   | رتبه علمی | نام و نام خانوادگی                       | اعضای هیأت داوران       |
|---|-----------|--|-------------------------|
|   |           | ابتالله محمدعلی تسخیری                   | (۱) استاد راهنما:       |
|  |           | حجت الاسلام والمسلمین سید احمد علم الهدی | (۲) استاد مشاور (۱):    |
|  |           | حجت الاسلام والمسلمین عبد الجبار رفاعی   | (۳) استاد مشاور (۲):    |
|   |           |  | (۴) نماینده شورای       |
|   |           | احمد بادکوبه هراوه                       | تحصیلات تکمیلی دانشکده: |

باسمه تعالی  
چکیده پایان نامه

فقه نظریات اسلامی، عنوان روش جدیدی از بررسی فقهی است که از مسئله استنباط احکام از منابع آن عمیق تر است که از حالت پراکندگی در احکام و آیات و مفاهیم اسلامی می گذرد و به حالت ترکیب اندام وار که انسجام و پیوند دقیق بین اعضاء را منعکس می کند، می رسد و به تعیین و کشف نظریات مذهبی اسلام در عرصه های زندگی و هستی و اجتماع منتهی می گردد.

اهمیت این روش بررسی فقهی، در نظریه های اسلامی فراگیری که از منابع اسلامی استنتاج می کند نهفته است، هنگامی که دین در طلب بهره گیری از این بررسی جدید برمی آید مجال می یابد که در ایجاد ارتباط بین زمینه های مختلف حیات و ارزشها و احکام و مفاهیم دینی و هدایت آن به ایفای نقش پردازد..... و از فواید این شیوه بررسی فقهی، این است که دیدگاه دین حنیف و توجیها ت مذهبی آن را در دسترس دولت و امت اسلامی قرار می دهد توجیهاتی که به شؤون حیات اجتماعی به طور گسترده و فراگیر بازمی گردد مانند توجیهات و نظریات مذهبی در حیات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم.

عناوینی که در این مجموعه بدان (اهتمام) پرداخته شده است عبارتند از:

دیدگاه مذهبی اسلام در موضوعات: (۱) آزادی همگانی و احکام آن، (۲) تبلیغات و اندیشه های مذهبی اسلام، (۳) هدف رسانه های تبلیغی و تأثیرات آن، و ضوابط و ارزشهایی که لازم است بدانها پایبند باشد، (۴) تربیت و هدایت تربیتی در زمینه های مختلف، (۵) انسان و دیدگاه اسلام در ارتباط با نقش، وظیفه و حقوق او، (۶) زن و مرد حقوق و نقش آنها، (۷) دولت و تقیدات، تعهدات، وظایف و نقش آنها در جامعه اسلامی و ایجاد ارتباط با ملل و امت های دیگر، (۸) اصل این ارتباط و جنبه های مختلف آن، (۹) سنت های تاریخ و دیدگاه مذهبی اسلام درباره آن، (۱۰) اندیشه هایی که اسلام درباره علل پنهان پیشرفت و انحطاط امت ها عرضه می دارد، (۱۱) جهت گیری های اسلام در رابطه با عرصه های مختلفی که حیات اجتماعی انسان معاصر آکنده از غوغای آن است. (جهت گیری هایی که به مجرد شناخت برخی قانون گذار یها یا آیات و احادیث مرتبط با آن نمی توانیم بر نظریات مذهبی اسلام آگاهی یابیم.)

نیل به چنین نظریاتی نیازمند روش جدیدی است که امکان گذر از جزئیات تشریحات و آیات و احادیث را فراهم آورد. روشی که اقدام به استفاده از هر دسته از مطالب فوق را که به موضوعی گسترده از موضوعات حیات و عناوین آن مربوط است فرامی‌گیرد و مطالعه‌ای فراگیر که بین مدالیل آن هماهنگی و یکسانی برقرار سازد فراهم می‌آورد نیز در همین راستا، وجوه ارتباط بین این مدالیل تفضیلی را برای وصول از خلال آن به تعیین چارچوب نظریه‌ای فراگیر و واضح که آن مجموعه به عنوان یک «کُل» نسبت به آن موضوع مطروح، ترسیم می‌کند.

در بحث از این روش، نقش عظیمی که شهید صدر ایفا نموده مشخص می‌شود. زیرا وی از بارزترین کسانی است که در چارچوب مکتب دینی به اهمیت فراهم آمدن چنین روش‌مندی و نیز به ضعف روش‌های موروثی و فقدان توان آنها بر استنباط نظریات فراگیر اسلامی از مواضعی که انتظار می‌رود توجه نموده است و نیز به ضرورت تدوین نظریاتی اسلامی که پاسخگوی نیازهای جامعه و دولت اسلامی و چالش موجود در اسلامی‌سازی جامعه معاصر باشد، التفات نموده است. بررسی ما در اینجا در واقع، کوشش متواضعانه در جهت روشن ساختن موضوع فقه نظریه‌های اسلامی از دیدگاه شهید صدر و روشی است که وی در این جهت‌گیری فقهی بدان اصالت بخشیده و نیز تبیین فایده آن در خارج ساختن اندیشه‌های اسلامی از حالت جمودی که از دیر باز از آن رنج برده و نیز تبیین اهمیت این شیوه از بحث فقهی که با وجود این اهمیت، مورد اهتمام شایسته محافل تحقیق علمی در حوزه‌های دینی ما قرار نگرفته است. و از آن جاکه شهید صدر - چنان که اشاره کردیم - از بارزترین کسانی است که به این موضوع اصالت بخشیده، بررسی حاضر برای حل این موضوع از دریچه (دیدگاه) شهید صدر و آثار وی در زمینه آن داخل می‌شود و از اینجاست که خواننده درمی‌یابد که این اهتمام به شناخت روش شهید صدر در استنباط منابع اسلامی و کشف نظریات اسلامی معطوف شده است چیزی که شهید صدر آن را منهج موضوعی توصیف کرده و ماضوابط و ابزارها و نیز اشکالات مطرح شده در زمینه آن را تبیین و بعضی از نمونه‌هایی را که در آن ویژگی‌های این روش در انجام عمل کشف نظریه‌های اسلامی ظهور می‌کنند ارائه خواهیم کرد. به عقیده ما تعمیم به کارگیری این روش در مطالعات اسلامی بار دیگر امکان ارائه تصورات و راه‌حل‌ها و نظریه‌های اسلامی معاصر و اصیل و همپا با نیازها و متغییرات زمان را به اندیشه اسلامی می‌دهد و به حیات اجتماعی انسان مسلمان صبغه ربانی آن را عطا می‌بخشد.

کلید واژه‌ها: منهج موضوعی، فقه نظریه‌های اسلام، محمدباقر صدر، اندیشه اسلامی معاصر،

نظریه‌های اسلام.

## فهرس المحتويات

|  |   |
|--|---|
| ١                                      | المقدمة   |
| ٣                                      | كليات الاطروحه  |
| الفصل الاول                            |   |
| فقه النظرية الاسلاميه عند الشهيد الصدر |   |
| ٦                                      | ١ - ١ - فقه النظرية تحديد المصطلح                                 |
| ٧                                      | ١ - ١ - ١ - مدلول كلمة فقه  |
| ٩                                      | ١ - ١ - ٢ - الشهيد الصدر و السبب في انكماش الفقه                  |
| ١١                                     | ١ - ١ - ٣ - النظرية   |
| ١٣                                     | ١ - ١ - ٤ - مركب فقه النظرية                                      |
| ١٦                                     | المراجع و الهواش  |
| الفصل الثاني                           |   |
| الشهيد الصدر و المنهج الموضوعي         |   |
| ١٨                                     | ١ - ٢ - دور المنهج  |
|  | ١ - ١ - ٢ - المنهج الموضوعي :                                     |
| ٢٢                                     | الشهيد الصدر و معنى تسمية المنهج موضوعيا                          |
| ٢٣                                     | ١ - ٢ - المعيار الاول :   |
| ٢٦                                     | ١ - ٣ - المعيار الثاني :  |
| ٢٧                                     | نظرية السنن التاريخية في القرآن كنموذج للمنهج الموضوعي في التفسير |
| ٣٤                                     | ١ - ٢ - ٤ - المعيار الثالث :                                      |
| ٣٦                                     | ١ - ٢ - الفرق بين عملية التكوين و عملية الاكتشاف                  |
| ٣٩                                     | ١ - ٢ - ١ - مهمة المفكر الاسلامي في اكتشاف النظرية الاسلاميه      |
| ٤١                                     | ١ - ٢ - ٣ - دور الاحكام و المفاهيم في الكشف عن النظرية            |
| ٤٣                                     | ١ - ٣ - ١ - الاحكام كلبنات فوقية للنظرية                          |
| ٤٦                                     | ١ - ٣ - ٢ - الاحكام و عملية التركيب بينها                         |
| ٤٩                                     | ١ - ٢ - ٤ - المفاهيم الاسلاميه                                    |
| ٥٠                                     | ١ - ٢ - ٤ - الطريقة المباشرة في استخلاص المفاهيم الاسلاميه        |
| ٥٠                                     | ١ - ٢ - ٤ - الطريقة غير المباشرة                                  |



|    |   |
|----|---|
| ۵۱ | ۲ - ۴ - ۳ - دور المفاهيم في الكشف عن النظرية                      |
| ۵۴ | ۲ - ۵ - منطقة الفراغ التشريعي من منظور الشهيد الصدر               |
| ۶۰ | ۲ - ۵ - ۱ - الدليل على اعطاء ولي الامر صلاحيات لملء منطقة الفراغ  |
| ۶۱ | ۲ - ۵ - ۲ - حدود منطقة الفراغ التشريعي                            |
| ۶۲ | ۲ - ۶ - المؤشرات الاسلاميه و خطوطها العامه                        |
| ۶۳ | ۲ - ۶ - ۱ - الاول : اتجاه التشريع                                 |
| ۶۴ | ۲ - ۶ - ۲ - الثاني : الهدف المنصوص لحكم ثابت                      |
| ۶۶ | ۲ - ۶ - ۳ - الثالث : القيم الاجتماعية الاسلاميه                   |
| ۶۶ | ۲ - ۶ - ۴ - الرابع : اتجاه العناصر المتحركة على يد النبي أو الوصي |
| ۶۸ | ۲ - ۶ - ۵ - المفاهيم الاسلاميه                                    |
| ۶۹ | ۲ - ۶ - ۶ - الخامس : الاهداف التي حددت لولي الامر                 |
| ۷۱ | المراجع و الهوامش   |

### الفصل الثالث

#### ضوابط المنهج الموضوعي في فقه النظرية

|    |  |
|----|--|
| ۷۴ | ۳ - ضوابط المنهج الموضوعي في فقه النظرية                   |
| ۷۵ | ۳ - ۱ - ضوابط المنهج الموضوعي                              |
| ۷۵ | ۳ - ۱ - ۱ - الاول : تبرير الواقع                           |
| ۷۷ | ۳ - ۱ - ۲ - الثاني : دمج النص في اطار خاص                  |
| ۸۰ | ۳ - ۱ - ۳ - الثالث : تجريد الدليل الشرعي من ظروفه و شروطه  |
| ۸۳ | ۳ - ۱ - ۴ - الرابع : اتخاذ موقف معين بصورة مسبقة تجاه النص |
| ۸۵ | ۳ - ۱ - ۵ - خداع الواقع التطبيقي                           |
| ۸۷ | ۳ - ۲ - الاستئله و الاشكالات                               |
| ۸۷ | ۳ - ۲ - ۱ - المبرر الشرعي لممارسه فقه النظريات             |
| ۹۰ | ۳ - ۲ - ۲ - تأمين الحجية الشرعية للنظرية المستخلصة         |
| ۹۳ | ۳ - ۲ - ۳ - ضبط عنصر الاختيار الذاتي                       |
| ۹۶ | المراجع و الهوامش  |

### الفصل الرابع

#### فقه النظرية الاسلامية : نموذج تطبيقي

|    |                              |
|----|------------------------------|
| ۹۸ | ۴ - فقه النظرية نموذج تطبيقي |
|----|------------------------------|

|     |  |
|-----|--|
| ۹۸  | ۱ - ۴ - النموذج المنتخب  |
| ۹۹  | ۴ - ۱ - ۱ - نظرية توزيع ما بعد الانتاج                                   |
| ۱۰۰ | ۴ - ۱ - ۲ - الاساس النظري للتوزيع على عناصر الانتاج                      |
| ۱۰۰ | ۴ - ۱ - ۳ - المرحلة الاولى : بسط البناء العلوى                           |
|     | ۴ - ۱ - ۴ - المرحلة الثانية :  |
| ۱۰۲ | تكوين فكرة عن طبيعة النظرية من خلال نموذجها الرأسمالي                    |
| ۱۰۳ | ۴ - ۱ - ۵ - نموذج للنظرية من الاقتصاد الرأسمالي                          |
|     | ۴ - ۱ - ۶ - المرحلة الثانية :  |
| ۱۰۴ | عرض النظرية الاسلامية كما يفترضها الشهيد الصدر و مقارنتها بالرأسمالية    |
| ۱۰۵ | ۴ - ۱ - ۷ - المرحلة الاخيره : استنتاج النظرية الاسلامية من البناء العلوى |
| ۱۰۷ | ۴ - ۲ - أوجه الفرق بين النظرية الاسلامية و الماركسيه                     |
| ۱۰۷ | ۴ - ۲ - ۱ - المرحلة الاولى : بسط البناء العلوى                           |
|     | ۴ - ۲ - ۲ - المرحلة الثانية :  |
| ۱۰۸ | ابراز أوجه الفرق بين النظرية الاسلامية و النظرية الماركسيه               |
| ۱۱۰ | ۴ - ۲ - ۳ - المرحلة الثالثة : استنتاج الفروق النظرية من البناء العلوى    |
| ۱۱۱ | ۴ - ۳ - القانون العام لمكافحة المصادر المادية للانتاج                    |
| ۱۱۲ | ۴ - ۳ - ۱ - بسط البناء العلوى  |
| ۱۱۷ | ۴ - ۳ - ۲ - تنسيق البناء العلوى و تفصيل النظرية الاسلامية                |
| ۱۲۱ | ۴ - ۴ - ملاحظات ثلاث   |
| ۱۲۱ | ۴ - ۴ - ۱ - الاولى   |
| ۱۲۲ | ۴ - ۴ - ۲ - الثانية  |
| ۱۲۳ | ۴ - ۴ - ۳ - الثالثة  |
| ۱۲۸ | المراجع والهوامش   |
| ۱۲۹ | ۴ - ۵ - خاتمه  |
| ۱۳۰ | المصادر و المراجع  |

## مقدمة

خلال السنة الأخيرة من دراستي في جامعة الإمام الصادق عليه السلام أخذت أفكر بالموضوع الذي يناسب أن أقدم فيه أطروحة الماجستير ، وكان قد شغل تفكيري قبل ذلك النظر في المناهج الإسلامية الموجودة لتحديد أيها يصلح لإستنتاج مصادرها الدينية من قرآن كريم وسنة شريفة لإكتشاف النظريات المذهبية الإسلامية إزاء قضايا الحياة والإشكاليات العريضة التي يطرحها الواقع الإجتماعي للإنسان وتداعيات التجربة البشرية الراهنة . وكانت المناسبة التي أرسلت تفكيري بهذا الإتجاه عملي على مقالة سابقة كنت قد صممت أن أعالج في شقٍ أساسي منها موضوع الحريات العامة والقضايا المتعلقة به من وجهة نظر الإسلام . الا اني أرجنت اكمال العمل عليها لجهه أن مشكلة منهجية عرضت خلال البحث وجعلتني انشغل بالبحث عن حل لها .. ومحصل هذه المشكلة أنه لم يكن في متاولي منهجاً جاهزاً يصلح لإستخدامه في استنتاج النصوص الإسلامية لاستلها واستكشاف نظريات الإسلام المذهبية في الموضوع المطروح بشكل صحيح يجنب الوقوع في الكثير من المحاذير .

والواقع أن مصادرها الإسلامية لا تقدم وجهات نظر جاهزة في مثل موضوع الحريات أو في غيره من المواضيع المشابهة التي تزخر بها الحياة الفكرية والعملية للمجتمع الاسلامي المعاصر ، والباحث لا يجد في متناوله في هذه المصادر إلا الآثار والمعالم التي تنعكس ضمنها هذه المواضيع في كم كبير متأثر من الآيات والأحكام والنصوص . مما يعني أنه لا بد للباحث المسلم من ممارسة واستنطاق واستلها هذه الآيات والنصوص والأحكام لاكتشاف ما تشع به من أفكار ومفاهيم وعموميات نظرية في المجالات التي يهمن ان يعرف كلمة الدين فيها بما انه يدرك ان ذلك يدخل في صميم وظيفة الدين ودوره في القيمومة على الحياة وإرشاد البشرية الى دروب لهداية الربانية في مجالاتها ، لكن ذلك لن يتاح للذي يريد ممارسته دون ان يستخدم اسلوباً مشروعاً ويحدد له منهجاً مناسباً للعمل يؤمن له ممارسة هذه المعالم والآثار بشكل صحيح للوصول الى استخلاص معطياتها وعمومياتها النظرية بأكبر قدر من الدقة والأمانة والموضوعية

وسبب الحاجة الى هكذا منهج هنا بالخصوص في ممارسه جزئيات المصادر الاسلاميه هو ان النصوص الإسلامية تحمل بشدة على كل من تسول له نفسه إخضاع مداليلها الى آراءه ومسبقاته الخاصة وهي تحض على التعاطي مع هذه المداليل والمعطيات حين ممارستها بقدر فائق من الدقة والموضوعية وعلى بذل أقصى الجهد لاكتشاف ما تعبر عنه واقعاً . ولهذا كان لا بد لمن يريد ان يقرأ ويستلهم في النصوص الدينية وجهات نظرها الخاصة تجاه مجالات الحياة وقضاياها ان يبحث ويحدد له منهجاً متماسكاً يضبط له ممارسته للنصوص الاسلاميه و يجعله في مامن عن مجافاة الموضوعية في استلها وجهات النظر هذه ، ويجنبه الوقوع في منزلقات الذاتية وأخطارها .

وهكذا رحت ابحت وافكر في المنهج المناسب الي ان اهتديت اخيراً على نموذج متألق له في كتابات الشهيد السيد محمد باقر الصدر . وفي الحقيقة أتى كنت الى ذلك التاريخ قد قرأت بعض من كتابات الشهيد الصدر إلا أنني وللأسف كنت قد أهملت الإطلاع على أهم ما دوته من كتب وخصوصاً كتابه القيم (اقتصادنا) ، ولقد نأى بي عن هذه المطالعة كوني كنت منشغلاً بقراءة كتابات حديثة لإسلاميين وغيرهم ، وظني أن كتابات

الشهيد الصدر التنظيرية تتعلق بحقبة زمنية معينة قد تجاوزنا عنها وهي حقبة الصراع مع المد الماركسي في الستينات من هذا القرن . ومن هنا فقد كنت أشعر بعدم الحاجة الى مطالعتها بعد أن تجاوزنا هذه الحقبة وطلعت علينا حقبة جديدة مختلفة في الكثير من إشكالياتها وتحدياتها وتنظيراتها الفكرية ... إلا أن رغبتني القوية في العثور لمشكلتي المنهجية عن حل دفعنتي صوب كتابات الشهيد الصدر مره اخرى وجعلتني اعيد النظر في تصوراتي حولها .. رحمت صوبها علي امل ان يتيح لي تتبع منهج الشهيد الصدر والإطلاع على أسلوبه في وضع واستلهام النظريات الإسلامية تجاه قضايا الحياة ان أجد حلا لمشكلتي مع المنهج . وكانت مفاجأة سارة ان أكتشف ان الصدر (طيب الله ثراه) لم يكتفي بمجرد صياغة نظريات إسلامية عامة بل اشتغل أيضاً على بلورة منهج متماسك يعتمد عليه في هذا الاتجاه ، وحين شعرت بما للموضوع من أهمية نظراً لحاجة الفكر الإسلامي اليه في إعطاء تصورات الإسلام ونظرياته لقضايا الحياة في عصرنا الراهن ، عصر النظريات الكبرى ، والحياة التي تفسر مختلف مجالاتها بالمفاهيم والنظريات الشاملة، قررت أن أنير هذه المساحة من فكر الشهيد الصدر فأجعلها موضوعاً أعالجه في رسالتي الجامعية ، عسى ان تتيح لي النتائج ، متابعة العمل لاحقاً على تنقية النظرية الإسلامية في موضوع الحريات العامة .

وكنت قد عرضت الأمر على سماحة آية الله الشيخ محمد علي التسخيري - وهو أحد طلاب الشهيد الصدر المبرزين - فشجعتني على الإقدام وناقشت معه خطة العمل التي عملت قدر الإمكان على إخراجها الى دائرة الضوء في هذه الأطروحة التي يجدها القارئ بين يديه.

وهكذا فإن الذي سيلتقي به القارئ في هذه الأطروحة هو محاولة متواضعة لنفض الغبار عن فكرة وموضوع مهم أهمل طويلاً ووجدنا من الضروري إلقاء الضوء عليه مرة أخرى ، ووضعه في رسم المفكرين والمجتهدين الإسلاميين من الباحثين عن حلول لمعضلة جمود الفكر الإسلامي في تقديم الإجابات والحلول الإسلامية إزاء القضايا الاجتماعية العريضة . وهذا الموضوع عنوانه فقه النظريات الإسلامية .

ولقد حاولنا في هذه الدراسة الإجابة عن جملة من الأسئلة التي تطرح في مجال فقه النظريات : فما هو المقصود من فقه النظريات الإسلامية ؟ وما مدى أهمية هذا اللون من البحث الفقهي ؟ وما هو السبب في إنكماش الفقه الإسلامي عن تقديم النظريات في القضايا الاجتماعية العريضة ؟ وما هي علاقة الشهيد الصدر التأصيلية بموضوع فقه النظريات ؟ وما هي تفاصيل وأدوات وضوابط المنهج الموضوعي الذي أصله الشهيد الصدر لاستنتاج النصوص الإسلامية على خط بلورة النظريات الإسلامية المذهبية ؟ وما هي الدلائل على مشروعية هذا المنهج ؟ وما هي المجالات التي يعمل فيها ؟ وأفاقه المستقبلية وأهميته بالنسبة للفكر الإسلامي في هذه الحقبة من عمر الأمة ؟

لقد كان المقصود من هذه الدراسة إلفات نظر المحققين والمهتمين الى موضوع فقه النظريات الإسلامية وإبراز معالم منهجية معتبرة في هذا الاتجاه ، وإظهار تطبيقاتها على يد أحد أبرز المؤصلين لهذا اللون من البحث الفقهي ، وهو الشهيد السعيد السيد محمد باقر الصدر .

لقد اعتمد أسلوب التحقيق في هذه الدراسة على طريقة البحث المكتبية بمعنى أنني تتبعت جميع ما وضعه الشهيد الصدر من كتابات في هذا المجال وأغنى به المكتبة الإسلامية قمت بمطالعة والتأكد من معانيه ومقاصده بالاستفسار عنها من تلامذة الشهيد الصدر وبالبحث في مقالات الدارسين لفكره عن استخلاصاتهم في هذا الشأن ، لاقوم بعد

ذلك باستخراج وعزل المعلومات المطلوبة من مختلف المتون ، حللتها ونظمتها لإعطاء تصور كامل حول الموضوع المطروح بحيث أمكن نهاية الأمر وضع هذه الدراسة .  
بيد ان مما يجب ان اذعن له هنا اني لم اصل في هذه الدراسة الى مداها المرجو وذلك لكثرة التعقيدات الموجودة في الموضوع ، ولحاجته في الكثير من مناحيه الى أبحاث واسعة أكثر عمقاً لا املك أدواتها بعد أو لم يتسع لها المجال هنا ، واملنا كبير أن تستتبع هذه المحاولة بمحاولات تطويرية لاحقة تبلور في الموضوع نحو الأفضل .

## كليات الأطروحة

الأطروحة على كل حال مقسمة الى مقدمة وأربعة فصول وخاتمة .  
وقد عني الفصل الأول منها بتحديد مصطلح فقه النظرية بما أنه لون من البحث الفقهي حديث ومبتكر في الدراسات الفقهية ، وعالجنا في هذا الفصل الأسباب التي جعلت فقه المدرسة الأمامية ينكمش في نطاق نشاط المكلفين الشخصي وينعزل عن تقديم النظريات والتصورات الإسلامية في القضايا الاجتماعية الكبرى .

أما الفصل الثاني فقد تناولت فيه المنهج الذي اعتمده الشهيد الصدر لهذا اللون من البحث الفقهي والمعنون بالمنهج الموضوعي وتحدثت عن معنى تسمية المنهج بالموضوعي حيث يصرف الصدر هذا الوصف الى ثلاث اعتبارات علي الممارس اخذها بعين الاعتبار في عملية اكتشاف النظريات الإسلامية وعرضت لبعض النماذج من مؤلفات الشهيد الصدر التي راعى فيها هذه الاعتبارات .. ورأيت في هذا الفصل ان واحدة من أهم مشكلات الفكر الإسلامي المعاصر هي مشكلته مع المنهج فلا زالت الكثير من المقاربات الفكرية الحالية للنصوص الإسلامية تتم بعيداً عن أي منهج محدد ، وهذه المشكلة تأخذ بعداً آخر ، حين نرى اهمالاً يرخي بظلال وارفة على بعض المناهج الجديدة حيث لا تتخذ الخطوات العملية من قبل المعنيين للاقتداء بروحية هذه المناهج وبلورتها وتكريسها في الدراسات الإسلامية .. وأكدت في هذا الفصل على ضرورة تبني منهجية الشهيد الصدر الي فقه النظريات الإسلامية وعلى ضرورة أن يضع الفكر الإسلامي قضية تحديد وبلورة مناهج لاستنتاج النصوص الشرعية الإسلامية في مكانة متقدمة على سلم الأوليات لديه ، إذا ما أراد ان يقدم تصورات ومعالجات ومعطيات فكرية إسلامية تتواءم مع متطلبات ومتغيرات الزمن .. وانتهيت في هذا الفصل الى شرح الأسلوب المتبع في المنهج الموضوعي لاستنتاج النصوص الإسلامية على خط فقه النظريات الإسلامية في مواضيع الحياة والكون والمجتمع ، وقدمت بعد ذلك شرحاً مفصلاً عن دور الأحكام والمفاهيم الإسلامية في هذه العملية ، تحدثت عن منطقة الفراغ التشريعي من منظور الشهيد الصدر ، وأهمية الدور الذي تتصدى له هذه المنطقة في عملية الكشف عن الجزء المتحرك من النظريات الإسلامية ، الذي يمدّها بالقدرة على الاستمرار والدوام في ظروف مختلفة .. إلا أني نبهت في موازاة ذلك الى ان البحث في هذه المنطقة يكتنفه الكثير من الثغرات، والفقهاء والمحققون مدعوون لمواصلة البحث والقيام بمزيد من التدقيق في مضمون هذه المنطقة وأدلتها وأفاقها لما لها من أهمية ، وللحاجة الملحة لمعطياتها في ظل انبثاق حكومة إسلامية في إيران تسعى لقيادة المجتمع بمضامين إسلامية وفي ظروف حياتية متقلبة ومتغيرة ، تختلف في كثير من أحوالها عن أحوال عصر التشريع .

ثم تناولت في الفصل الثالث (ضوابط المنهج الموضوعي) فتحدثت عن عدة ضوابط تحدد العوامل التي لا بد ان يتلافها الممارس ويضبط ممارسته لفقه النظرية الإسلامية بعيداً عنها ، لنلا يجره عدم التفاته اليها الى منزلقات الذاتية أثناء ممارسته لعملية الكشف عن

النظريات الإسلامية ، فيقوم بالنتيجة بتقديم تصورات واستخلاصات مغلوطة ، تفتقد الدقة والموضوعية في التعبير عن التصور الإسلامي الصحيح .

ثم انتقلت آخر هذا الفصل للإجابة عن بضعة من الأسئلة والاشكالات التي تعرض لهذا اللون من البحث الفقهي .. وبينت الدور الكبير الذي يلعبه الدليل الاستقرائي القائم على حساب الاحتمالات عند الشهيد الصدر حيث يتدخل لضبط ممارسة الفقيه للأحكام الإسلامية بحثاً عن مداليلها النظرية ، وفي اسباب الحجية على النظريات المستخلصة .

اما الفصل الرابع والآخر فقد خصصته لتقديم نموذج تطبيقي لفقه النظريات الإسلامية من كتابات الشهيد الصدر . وفي هذا النموذج تتجلى الكثير من خصائص المنهج الموضوعي في عملية الكشف عنه فمن الانطلاق من واحد من المجالات المهمة التي يزخر بها الواقع الحياتي للإنسان والتي لا بد للفكر الإسلامي أن يهدي الى النظرية الإسلامية فيه الى القيام بتحديد هذا المجال ، والجوانب التي من المفترض ان تبحث فيها النظرية الإسلامية بصدده ، عن طريق تقديم نموذج لنفس النظرية والحلول المطروحة فيها لدى المذاهب الأخرى ، ثم الاستعانة بعد ذلك بالأحكام الإسلامية التي تتعلق بهذا المجال، وجمعها وعرضها بطريقة تعكس الانسجام الدقيق بينها ، ثم اقتطاف الأحكام المذهبية والعمل على دراستها على مراحل من خلال مقارنة هذه الأحكام مع ما استوعبه الباحث من أفكار واتجاهات وحلول لدى النظريات المذهبية الأخرى ، والقيام من خلال ذلك أخيراً، باستخدام هذه الأحكام المذهبية كبناء علوي ينطلق منه الممارس الى تحديد العموميات النظرية الإسلامية ، والنموذج المختار هو النظرية الاقتصادية التي يعرض من خلالها الشهيد الصدر للحلول المذهبية التي يقدمها الاسلام لعملية توزيع الثروة المنجزة خلال عمل بشري مع الطبيعة .

ثم الخاتمة ، وأكدت فيها على ضرورة أن يتحرك البحث في هذا المجال الفقهي المهم متمنياً أن يعطي عملنا هذا الذي نضمه الى الأعمال السابقة في هذا المجال دفعاً جديداً بهذا الاتجاه .

و اخيراً يسرني وأنا انهي هذه المقدمة أن أتقدم بجزيل الشكر والتقدير لسماحة آية الله الشيخ محمد علي التسخيري الذي تفضل بالإشراف على هذه الاطروحة ، فقدم لي من النصائح والتوجيهات العلمية ما أفادني الكثير ، كما أتقدم بجزيل الشكر الى جميع الأساتذة الذين ساهموا بنحو اوبآخر في اتمام هذا العمل وأشاروا علي الى ما أحتاج من مصادر ومراجع .. وأخص بجزيل الشكر منهم كل من آية الله السيد أحمد علم الهدى والاستاذ الشيخ عبد الجبار الرفاعي من الهيئة الاستشارية والأخ السيد مصطفى مير لوجي .. سائلاً الله عز وجل ان يثيب الجميع ويتقبل منا أعمالنا ويوفقنا الى مرضاته ، والعمل في سبيله انه سميع الدعاء .. والحمد لله رب العالمين .

---

# الفصل الأول

## فقہ النظرية الإسلامية عند الشهيد الصدر

## فقه النظرية الإسلامية

### عند الشهيد الصدر

#### ١ - ١ - فقه النظرية تحديد المصطلح :

بداية يستوجب الحديث عن فقه النظرية بيان المقصود من جزأي هذا المركب الذي اضيفت إحدى كلمتيه إلى الأخرى ، ونحتاج إلى هذا البيان كيما يتقدم البحث وهو يرتكز على تحديد واضح للمصطلح ، يجليه في أذهان المتبعين ويبدد الغش والغموض الذي يكتنفه ، بخاصة أنه مصطلح حديث ومبتكر في ميادين الدراسات الفقهية الإسلامية .

وفي الواقع فإن هذا المصطلح هو عنوان للون من البحث الفقهي نعتقد أن أول من جلاه بشكل مستفيض من بين الإمامية على الأقل وركز عليه بحسب متابعتنا المرجع الشهيد السيد محمد باقر الصدر. غير أن العقود تمضي بعد هذا التأسيس الأولي لفقه النظريات على يد الصدر ، وهي تحمل في أحشائها الكثير من الأسف لأن هذا اللون من البحث الفقهي ، مع ماله من أهمية ، لم يتابع العمل عليه ، بل ظل مغيباً عن دوائر الدرس والبحث العلمي في حوزاتنا العلمية .

وأجدنا اليوم أحوج من أي وقت مضى للرجوع إليه ، وإيلائه الاهتمام اللائق به والعمل على بلورته، لما فيه من ثمرات جمة للأمة ، وسعيها للوصول إلى مركب حضاري مستمد من هويتها الإسلامية .

إن فقه النظريات بحسب ما سنبينه ، يشرع الأبواب واسعة على المصادر الإسلامية من كتاب كريم وسنة شريفة للنهل من معينها نظريات مذهبية إسلامية شاملة ، نخولنا مواجهة الكثير من التحديات والأزمات ، وتتيح لنا الإجابة في ضوء الإسلام عن الكثير من اشكالات النهوض الحضاري للأمة الإسلامية في عصرنا الراهن .



ان هذا الفقه يتيح للدين أن يتقدم مرة أخرى الى دوره ووظيفته في القيمومة على الحياة والمجتمع ، بعد ان عزلته طويلاً عن هذا الدور ، حكومات فاسدة توالى على حكم البلدان الإسلامية ، والتخلف الذي استشرى على مختلف الأصعدة، واستقالة العقل الإجتهادي الإسلامي عن مواكبة متغيرات الأزمنة وتطورات العصور.

### ۱-۱-۱- مدلول كلمة فقه :

لكلمة فقه مدلولان ، احدهما لغوي والآخر اصطلاحى .

وهي بحسب مدلولها اللغوي تحمل معنيين :

الأول : مطلق الفهم : يقال فلان يفقه الخير والشر أي يفهمه .

والثاني : دقة الفهم ولطف الإدراك ومعرفة غرض المتكلم من كلامه ، واستعمالها في

القرآن الكريم يرشد الى هذا المعنى ، قال تعالى {واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي}/طه

(۲۷) . وفقه القول يكون بدقة الفهم ولطف الإدراك لمقصود المتكلم منه، فهو يسترجع في

طياته ان يكون المخاطب مقبلاً وعلى استعداد وتهيؤ لهذا الفهم.

قال تعالى : {فما لهؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثاً} /النساء (۷۸) أي لا يقتربون

من فقه معنى الحديث (الجمود فهمهم وخمود فطنتهم) .

أما المعنى الإصطلاحى للكلمة فهو يسترجع بعداً اجتهادياً لها ، ودعوة لسبر الدين

ونصوصه على خط استخلاص معطيات دينية وحصيلة لهذا الاجتهاد تعطي للدين في كل

زمن دوره في القيمومة على الحياة وتربطه بها ، وتنير للإنسان فيها دروب الهداية

الربانية لتسلك به الى مصاف الرقي والتكامل ، وتخرجه من الظلمات الى النور .

ان المقصود من كلمة فقه فيما يتصل بعنواننا (( فقه النظرية)) هو هذا المعنى ، لكن

يبقى ان نبرر استعمالنا لها في هذا المعنى ، ولنا فيما يلي مناقشة تفضي الى ذلك ، فكلمة

فقه بمدلولها الاصطلاحى المتداول اليوم تنكش عن مدلولها العام الذي أشرنا اليه وعن

مدلولها كما يقترب القرآن الكريم من الإفصاح عنه في قوله تعالى : (وما كان المؤمنون لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم لعلهم يحذرون} . التوبة ١٢٢

اذ ان من الواضح ان الآية الكريمة تحض على التفقه في الدين ، الدين في كل أبعاده ومستوياته وتجلياته لا فقط على معرفة خصوص الأحكام الشرعية العملية كما هو الفقه المصطلح عليه عند المشرعة .

والدليل على ذلك قوله تعالى (لينذروا قومهم) فان الإنذار لا يتم بمجرد قيام الفقيه باستنباط الأحكام العملية وحشوها في الرسائل العملية على سبيل المثال ، بل الإنذار والوصول الى الغرض منه (لعلهم يحذرون) مسألة أعقد من ذلك ، وأمر (( إنما يتم بالتفقه في جميع الدين )) (١) ، واكتساب معرفة مؤثرة ومتواصلة في مختلف نظرياته ومفاهيمه وأفكاره وأحكامه ...

وبوسعنا بعد هذا التقريب ان نسلم كل ثمرة للإجتهد في النصوص الدينية ، تكتسب وفق ضوابط ومنهجية مشروعة بالفقه ، سواء أكانت هذه الثمرة أحكاماً عملية أم نظريات شاملة تواكب الأوضاع الاجتماعية والسياسية والاقتصادية والثقافية للإنسان المسلم بالرؤى والحلول ذات الطابع (المذهبي) الإسلامي .

وهكذا ينطوي مدلول كلمة (فقه) على عدة عناوين ومسميات فتارةً نصرفه الى الأحكام الشرعية فنسميه بفقه الأحكام وأخرى نصرفه الى النظريات الإسلامية فنسميه بفقه النظريات .

وأما أن نحجم الفقه ، ونحصره في أفق ضيقة محدودة ، ضمن البعد المتمثل بالأحكام الفقهية الشرعية واستنباطها من أدلتها فحسب ، فهذا لا يحقق الهدف الكبير من التفقه في الدين الذي أشارت اليه الآية القرآنية الكريمة وهو إنذار الأمة بالمستوى الذي يحقق لها الانضباط في خطوط الإسلام العامة .

والطريق الى هذا الإنذار بنحو مؤثر ، والوصول الى امتثال المنذرين هو التفقه في الدين واستنطاق نصوصه بالشكل الذي يوفر الإجابات والتصورات على مختلف المستويات والأصعدة.

ان المستجدات والتطورات التي طرأت على حياة الإنسان في الفترة الأخيرة ، والتحديات الحضارية التي تواجهها الأمة الإسلامية ، وحاجات الدولة الإسلامية من التشريع والنظريات ، لم يعد يكفيها فقه لا يتعدى فيما يشتمل عليه من مسائل أحكام نشاط المكلفين الشخصي من عبادات ومعاملات وإيقاعات وفرائض . وبات من الضروري اليوم العمل على تجاوز هذه الحالة من الانكماش في الفقه والانطلاق نحو فقه أعمق وأرحب ينظر الى الدين من منظار اوسع ، وفي نطاق ما تحتاجه الدولة الإسلامية والمجتمع بأسره .

#### ١-٢-١- الشهيد الصدر والسبب في انكماش الفقه :

يعزو الشهيد الصدر في كتاباته انكماش فقه المدرسة الإمامية في نطاق نشاط المكلفين الشخصي وانعزاله عن تقديم النظريات في قضايا المجتمع والدولة ، الى عدم وجود مطلب ملح في العصور الخالية التي تختلف فيها أوجه الحياة عن أوجه الحياة المعاصرة ، يفرض على الفقيه معالجة تتعدى ما يطلبه نشاط المكلفين الشخصي من عبادة أو معاملة.

ويعتبران سياسة التنحية السياسية والطائفية للمدرسة الإمامية عن التدخل في شؤون السلطة والمجتمع، كان من آثارها بمرور الزمن ان تخلت أجيال الفقهاء عن الاهتمام بموضوعات وقضايا المجتمع والدولة الإسلاميين لصالح التركيز على الأمور التي تهم الفرد المسلم في نطاق أنشطته الشخصية .

والذي عمق من هذه المشكلة اكثر ، هو أن عملية العزل والتنحية السياسية هذه لم تستمر على اختصاصها بالمدرسة الإمامية فحسب بل ((شملت بعد أن سقط الحكم الإسلامي على أثر غزو الكافر المستعمر البلاد الإسلامية ، الإسلام ككل والفقه الإسلامي بشتى

مذاهبه ، وأقيمت بدلاً عن الإسلام قواعد فكرية أخرى لإنشاء الحياة الاجتماعية على أساسها واستبدل الفقه الإسلامي بالفقه المرتبط حضارياً بتلك القواعد الفقهية)) (٢). وبعد كل ذلك كان من الطبيعي، ان تتأثر الذهنية الفقهية من هذه الوضعية التي راجت طويلاً ، فينعكس ذلك على الفقه ويصاب المصطلح بالصميم فينكمش معناه في مدلوله و يقتصر على فقه الأحكام .

وفي هذا الشأن يقول الشهيد الصدر : ((إن أخذ المجال الفردي للتطبيق بعين الاعتبار فقط، نجم عنه انكماش الفقه ، من الناحية الموضوعية ، فقد أخذ الاجتهاد يركز باستمرار على الجوانب الفقهية الأكثر اتصالاً بالمجال التطبيقي الفردي ، وأهملت المواضيع التي تمهد للمجال التطبيقي الاجتماعي نتيجة لانكماش هدفه واتجاه ذهن الفقيه حين الاستنباط غالباً الى الفرد المسلم وحاجته الى التوجيه بدلاً عن الجماعة المسلمة وحاجتها الى تنظيم حياتها الاجتماعية (٣) .

وبرأي الشهيد الصدر فإن تركيز الفقهاء على المجال الفردي للتطبيق ترك آثاراً خطيرة على نظرة الفقهاء الى الشريعة ككل ، ((وهذا الاتجاه الذهني لدى الفقيه لم يؤد فقط الى انكماش الفقه من الناحية الموضوعية، بل أدى الى تسرب الفردية الى نظرة الفقيه نحو الشريعة نفسها ، فان الفقيه بسبب ترسيخ الجانب الفردي من تطبيق النظرية الإسلامية للحياة في ذهنه ، واعتياده على ان ينظر الى الفرد ومشاكله، عكس موقفه هذا على نظريته الى الشريعة فاتخذت طابعاً فردياً وأصبح ينظر الى الشريعة ذاتها كأنها تعمل في حدود الهدف المنكمش الذي عمل له الفقيه فحسب ، وهو الجانب الفردي من تطبيق النظرية الإسلامية للحياة)) (٤) .

ويعود الشهيد الصدر ليؤكد قبيل استشهاده ، في محاضراته حول التفسير الموضوعي على ضرورة إخراج الفقه من حالة الانكماش من الناحية الموضوعية و لابدية توغل الاتجاه الموضوعي في الفقه ، ليصل الى النظريات الأساسية للإسلام وأن لا يكتفي